

# هو الله - ای بنده حقّ مراسله روحانی آن جناب واصل. از...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۵۵۱

هو الله

ای بنده حقّ مراسله روحانی آن جناب واصل. از مضمون اگرچه به جهتی محزون شدیم زیرا دلالت بر تأثر و حزن آن قلب منیر نمود ولی از جهتی دیگر تسلی کامل حاصل زیرا دلالت بر آن می نمود که شهره آفاقی و رسوای مشتاق. یعنی به خریداری آن یوسف رحمانی مشهوری و به سرگشته و شیدائی معروف.

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی و اندر همه عالم مشهور به شیدائی

در نامه مجنونان از نام من آغازند زین پیش اگر بوم سردفتر دانائی

باری شکر کن خدا را که به عشق او شهره آفاق شدی و به شیدائی آن دلبر بیهمتا شهیر اهل اشراق. زنجیری از آن زلف مشکبار در گردن داری و بندی از آن کمند عنبرنثار در حلق. چه عزّت است اعظم از این که رسوای عشق او هستی و جویای روی او. ملاحظه نما که آن شخص شهیر چه قدر نوید به شما دادی ولی بعد از حصول مقصد جلیل غفلت ورزید. رسم وفا بنهاد و رسم جفا مجری داشت. پس بدان که بغیر از خداوند مهربان یار وفاداری نه. انشاء الله تفقدی خواهد نمود و دل افسرده را فرحی بی اندازه عطا خواهد کرد. توکل به او نما و از دون آن آزاد باش. اتکال بر وزرا و زراست و اعتماد بر امرا ذلّت کبری. ای رفیق این را بدان که جز خدا کسی به کار انسان نمی خورد. توکل به او کن و یوم یغنی الله کلاً من سعته بشارت کبری است. به آن شخص



ORIGINAL



AUDIO

جواب مرقوم نما من یتوکل علی الله فهو حسبہ، ان الله یکفی کل شیء عن کل شیء و لا یکفی عن الله ربک من شیء. و در قرآن می فرماید و من یتق الله یمجد له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب. من امید به رب مجید دارم و اوست مجیر و دستگیر. این شهرت عزت ابدیه من است و این رسوائی کامرانی سرمدی من. جمیع اولیاء الهی در ایام خویش رسوای عالم شدند ولی آن رسوائی نبود عزت ابدیه بود، آن بدنامی نبود کامرانی جاودانی بود چنانکه حال ملاحظه می نمائی که کامکاران عالم به نسبتی از آن رسوائیان نخر و مباحات می نمایند. میرزا آقا خان نوری صدر اسبق به واسطه شخص مورخ نوری چون نسبت سلسله خانواده خویش را به جاریه اباصلت هروی رساند عموم آن خاندان جشن عظیم گرفتند که الحمد لله این دودمان سلسله نسبشان به جاریه اباصلت مهربان رسید و اباصلت در زمان خویش رسوای عالم بود و بد نام بین امم. حال مثبت شد که رسوائی در سیل الهی عزت ابدیست و سلطنت سرمدی، فاعتبروا یا اولی الأبصار. امید از عون و عنایت حق چنین است که او ظهیر و نصیر گردد و شما را از منت هر امیر و وزیر مستغنی فرماید و علیک التّحیّة و الثّناء. ع ع